

نوای موسیقی ایرانی در «نیس»!

از: دکتر عزیزاله سلیم پور
نیس - فرانسه

ویلن زن روی بام داستان زندگی یهودیان در همه جای دنیا است. زندگی یهودیان ایران از این داستان مستثنی نیست. زندگی ملت یهود با ملت ایران آمیزشی قدیمی و پر ریشه را داراست. فرهنگ این دو تمدن آنقدر بهم نزدیک و شبیه اند که گاه انسان نمیداند کدام یک بر دیگری اثر گذاشته است. برای مثال فقط مطابقت اعیاد یهودی با اعیاد ایرانی پیش از حمله عرب را یاد میکنم.

عید نوروز همیشه با چند روز کم یا زیاد مطابق جشن پسخ یهودیان است. شب بلدا، طولانی ترین شب سال که پیروزی نور و روشنایی را بر تاریکی و جهل جشن میگیرد جنوکا را پیاد میآورد و جشن سده که هوشنگ بر ازدها پیروز شده ولی آتش افروخته زنده میماند و دنیا را گرم و زنده نگاه میدارد میتواند ماجرای گاو طلائی و نزول تورات را تداعی کند و بالاخره فراموش نکنیم که یکی از مهمترین نمازهای یهودی بنام قدیش بزبان آرامی خوانده میشود.

اولین یهودیان در سال ۷۲۰ پیش از میلاد بدنبال انقراض دولتشان توسط آشوریهها به ایران کوچ کردند. گفته میشود که آنان از نواده خاندان دان، زبولون، آشور و نفتالی بودند که در کوههای شمالی تهران مستقر شدند و سپس به شهری در دامنه کوه دماوند که آنرا گیلعاد نام نهادند ماندگار شدند. میگویند این آبادی بعداً "گیلیارد نام گرفت و هنوز در قبرستان آن آثاری از گذشته این قوم برجاست. بخشی از این یهودیان بعدها به آذربایجان و افغانستان رفتند و اولین کانون یهودیت را در آنجا بنا کردند.

دومین مهاجرت یهودیان به ایران پس از خرابی معبد بزرگ یهودیان در اورشلیم توسط بخت النصر و به اسارت بردن آنان به بابل بود. همه پاسوق (آیه) شماره ۱۳۶ را بخاطر دارند.

«در کناره های بابل نشسته و بیاد صیون اشک میریختیم، و نگهبانانمان به ما میگفتند کمی از آوازه های صیون را برای ما بخوانید. چگونه دور از صیون میتوان آواز خواند؟ ای اورشلیم اگر ترا فراموش کنم، دست راستم فراموشم باد و زبانم در دهانم خشک شود...»

این یهودیان پس از ورود به ایران در شهرهای یزد و اصفهان که «یهودیه» نامیده میشد سکنی گرفتند. در تورات آمده است که کورش بزرگ مسیح خدا به آنان اجازه داد تا به اورشلیم

روز چهارشنبه اول نوامبر ۲۰۰۶ ساعت ۶:۱۵ بعد از ظهر در کنیسه بزرگ نیس بمناسبت صد و بیستمین سالگرد افتتاح آن، کنسرتی برقرار شد که در قسمت اول آن ویولونیست فرانسوی «بریزیت سولم» Brigitte Sulem و «استفانی پولن» Stephanie Poulain پیانیست با اجرای آثاری از بروخ، بن حیم و ارنست بلوخ هنرنمایی کردند.

سپس مارک بنوینیست Marc Benvenist سه آواز مذهبی را با صدای زیبای باریتون خواند و بالاخره بخش موسیقی ایرانی به رهبری استاد علی شایگان و با همکاری دکتر الی گبای، مهندس یوسف سلیم پور و آقای احمد یحیی زاده و دیگران آغاز گردید.

اندیشه این کنسرت چند ماه پیش در گفتگویی با آقای «گی سلام» Guy Sellam رئیس انجمن یهودیان جنوب فرانسه بوجود آمد. گفتیم ملت یهود را میتوان با ادبیات، با غذاها، با موفقیت هایش در رشته های علمی گوناگون و بالاخره با طبع شوخش معرفی کرد چرا که او را با موسیقی که با روان ناخودآگاه انسانها رابطه دارد معرفی نکنیم؟

مشغول بکار شدیم و برنامه برای روز اول نوامبر تاریخ گذاری شد چرا که مصادف میشد با صد و بیستمین سالگرد افتتاح کنیسه بزرگ نیس. سالن این کنیسه که فقط گنجایش ۴۵۰ نفر را دارد با اضافه کردن صندلی توانست ۶۰۰ نفر را پذیرائی کند و بقیه متأسفانه مجبور شدند راه بازگشت را انتخاب کنند.

از این میان نزدیک به ۱۰۰ نفر از هموطنان مسلمان و بقیه فرانسوی مسیحی و یهودی بودند. شهردار نیس با همسرش، نماینده فرماندار استان، نایب رئیس مجلس شورای ملی فرانسه و چند نماینده از مجلس جزو مهمانان بودند که همگی حتی شهردار بلیط خود را خریده و پولش را پرداخته بودند.

رئیس انجمن یهودیان سخنرانی خود را با بازخوانی سخنرانی ربای بزرگ نیس که ۱۲۰ سال پیش هنگام افتتاح کنیسه ایراد کرده بود آغاز کرد و سپس در مورد نقش زنان در جامعه یهود و در جنوب فرانسه سخن گفت که آنان ریاست اغلب انجمن ها و فعالیتها را بهعهده دارند.

بخش موسیقی ایرانی با نوای ویلن زن روی بام آغاز شد و سپس اینجانب با بهره گیری از کتابهای ارزشمند دکتر حبیب لوی، امنون تنصر و پاسارگاد سخنان خود را اینگونه آغاز کردم:

بازگشته معبد خود را بازسازی کنند ولی فقط ۱/۳ از آنان راه این بازگشت را از سر گرفته و ۲/۳ دیگر کشور میزبان را میهن خود دانسته به آنجا انس گرفته بودند و با وجود اصرار عذرای نبی به این سفر تن در ندادند. میدانیم که عذرا در بین راه فوت کرده در عراق امروزی بخاک سپرده شد

و چندی بعد در دوران یکی از پادشاهان مستبد و نالایق ساسانی بنام فیروز، بخشی از این یهودیان مجبور به ترک ایران شده در خاور دور و چین مستقر میشوند.

اگرچه امروز یهودیان سراسر دنیا «آیه ۱۳۶» را بخاطر دارند ولی یهودیان ایران و خصوصاً یهودیان اصفهان تنها یهودیانی هستند که به اورشلیم سوگند یاد میکنند. خود من همیشه شاهد این سوگند از طرف پدر بزرگ و مادر بزرگها، پدر و مادرم و حتی امروز از طرف خاله ها و دانی خود بوده و هستم.

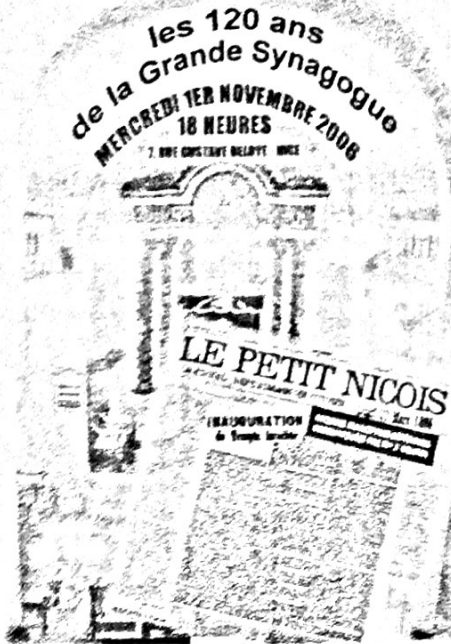
یکی از صفحات تاریخ یهود که همیشه شما با آن آشنائی دارید را برای برخی که از آن اطلاعی ندارند خلاصه میکنم

در سال های ۵۸۶ تا ۵۶۵ پیش از میلاد، خشایارشا و یا اخشوروش پادشاه ایران بود. او در مراسمی که میتوانست معادل «انتخاب ملکه زیبایی ایران» باشد پس از جدائی از زن اول، استر دختر زیبای یهودی را بعنوان زن دوم به نکاح درآورد. استر توانست توطئه هامان وزیر پادشاه را که یکی از پیش کسوتان تر کامادا نظیر هیتلر برای قتل عام یهودیان چیده بود برملا و خنثی کند.

یهودیان تمام دنیا سالگرد این واقعه معجزه آسا را هر سال بصورت یک کارناوال جشن میگیرند. مقبره استر و پسرعموی او مردخای در همدان امروز همچنان پابرجاست و محل زیارت یهودیان و مسلمانان است.

بنا بر اینکه سرزمین یهود در شهرهای شمالی ایران تا کمی پیش از صد سال پیش استرآباد نامیده میشد و میگویند که خشایارشا این شهر را به افتخار همسرش بنا کرده بود. پس از حمله عرب و استیلای اسلام، رفتار با یهودیان گاهی خوب و زمانی مثل همه جا بد و ستم آمیز بوده است. ما نیز ما یهودیان اسپانیا که یهودیان به جبر و در ظاهر مسیحی شده بنام «مارون» نامیده میشدند یهودیان بزور و در ظاهر اسلام آورده مشهیدیانی را داریم که شما هر سال فرزندان و نواده های آنها را که ساکن میلان هستند با حرمت بی پایان در اینجا پذیرائی میکنید. حتی همین امروز یهودیان ایرانی با هم میهنان مسلمان

CONCERT ANNIVERSAIRE



خود در ایران با دوستی و صمیمیت در کنار یکدیگر زندگی میکنند و در اعیاد خانوادگی همدیگر شرکت میکنند و نشان میدهند که انسانها را با دولت ها نباید با یک دیده نگریست.

امنون تنصر دانشمند ایرانی مقیم اورشلیم میگوید: یهودیان

فشارسنج تمدن و دموکراسی در جهانند.

در کشورهای دیکتاتوری و مرتجع همه

صدمه می بینند ولی یهودیان کمی بیشتر

از دیگران. ولی در کشورهای پیشرفته

متمدن با رژیم های دموکراسی همه از

آزادی برخوردارند و افکار انسانها

شکوفا میگردد و یهودیان پرچمدار

رشته های علمی فرهنگی و هنری

میگردند.

خاتمه! آقایان، دوستان عزیز،

هیچکدام از ما ادعای خوانندگی نداریم

ولی امشب همگی به دور استاد علی

شایگان حلقه زده ایم تا نواهایی که

دوران کودکی ما را نوازش داده اند را

به شما خالصانه تقدیم کنیم.

برنامه موسیقی ایرانی با آوازی که

یهودیان اصفهان به افتخار داماد در شب

عروسی میخوانند آغاز شد. تجزیه و تحلیل این شعر از نظر جامعه شناسی و روانشناسی جالب است.

قدت سرو و رُخت گلشن	چراغ دایمت روشن
شوند کوران همه روشن	بدور تو آید گوئل
شلح گوئل شلح گوئل	زخوت نعمان یقوتیل
شدی حاتان مبارک باد	هشم پشت و پناهت باد
آقا حاتان نجیب زاده	خدا شادی بما داده
شدی حاتان مبارک باد	هشم پشت و پناهت باد
شلح گوئل شلح گوئل	(نجات دهنده)....

در این شعر دامادی را بفال نیک گرفته آمدن مسیح موعود را نوید میدهند. نادانان همه مانند کورانی که دید خود را باز یابند بالاخره فهمیده خواهند شد و در دوران تو «داماد» نجات و آزادی فرا خواهد رسید، برای تحقق یافتن این آرزو از زندگی خود بطور مستقیم گله نمیکند بلکه بسان یک فریاد خفته و خفه شده در اعماق دل آرزوی نجات و آزادی میکنند.

سجایا و رفتار حضرت موسی را بیاد خداوند میآورند تا نه بخاطر خود آنها بلکه بخاطر بزرگی پیامبران آنها را نجات بخشد. تضاد شعری که در آن داماد را نجیب زاده خوانده به او میگویند خداوند امشب به آنها شادی داده با آهنگ غم انگیز آواز افشاری در دستگاه شور چشمگیر است. اولاً این آهنگ نشان میدهد چگونه روان یهودیان موسیقی ایرانی را با تار و پود خود

آمیخته و دردشان را با آن بیان میکنند ثانیاً محزون بودن این آهنگ در شب عروسی نشان میدهد که در زمان سروده شدنش یهودیان زندگی شادی نداشته اند و در غم ویرانی بیت المقدس نه فقط لیوانی را می شکنند بلکه با سوز و گداز آرزوی رسیدن مسیح و بازسازی آنرا میکنند و آزادی و نجات خود را در زمان حیات داماد آرزو میکنند.

آهنگ دوم مرغ سحر بود که خود مظهري از دوستی بین یهودیان و مسلمانان ایران است. این شعر زیبا از ملک الشعرای بهار و آهنگ آن از مرتضی نی داود است. این شعر که برای مهمانان ترجمه شد بنظر من پس از «بنی آدم اعضای یکدیگرند سعدی» یکی از بهترین اشعار فارسی است که احساسات انسان دوستی ملک الشعرای بهار در آن میدرخشد و به هر ایرانی غرور و افتخار می بخشد.

... ز آه شرر بار این قفس را

برشکن و زیر و زبر کن

... بلبل پرسته ز کنج قفس درآ

نغمه آزادی نوع بشر سرا

در نفسی عرصه این خاک توده را

پر شرر کن... ناله سر کن...

باید اذعان کرد که کنیسیای بزرگ نیس چنین جمعیتی را با این شور و شعف کمتر دیده بود و باز باید قبول کرد که هنرمندان ایرانی نمونه ارزنده ای از هنر موسیقی ایران را به مهمانان ارائه کردند.

نت های نواهای ایرانی، زیر مضراب سحرآمیز علی شایگان بر روی سنتور بسان دانه های مروارید روان و چون الماس درخشندگی میکرد. خوانندگان همراه با نوازندگان چنان شوری پیا کرده بودند که شهردار و فرماندار نایب رئیس مجلس شورا با همسرانشان و بقیه حضار گردان بعضی از آهنگها را با کلمات فارسی تکرار میکردند. یار مبارک بادا انشالله مبارک بادا. این کنسرت با آواز «هاواناگیلا» که همگان از هر کیش و مذهب که بودند با دست زدن همراه موسیقی میخواندند با شوری فراوان پایان یافت.

فردای آنشب در تمام شهر سخن از این کنسرت بود و روزنامه نیس ماتن Nice Matin با تیتربزرگ نوشت «یک رهبر ارکستر مسلمان برای برگزاری کنسرت سالگرد کنیسا»، این کنسرت برای فرانسویان فرصتی بود تا با تاریخ و موسیقی ایرانیان و یهودیان آن آشنا شوند و برای هموطنان غیر یهودی در شبی خاطره انگیز و افتخارآمیز موقعیتی برای بهتر شناختن تاریخ هم میهنان یهودیشان بود.

عزیزاله سلیم پور

دکتر الی گبای در گفتار بسیار پرمحتوائی از موسیقی ایران سخن گفت که متن آن در زیر تقدیم میگردد، خانمها، آقایان،

موسیقی ایرانی ریشه ای بس عمیق و کهن دارد. هرودت در این باره میگوید، ایرانیان در آتشگاه های خود رسم قربانی دادن ندارند بلکه کاهن آنان در آنجا آوازهای مذهبی میخواند (گاتها از کتاب اوستا، کتاب مقدس زردشتیان). «گزنوفون مورخ یونانی دیگر مینویسد، کورش بزرگ پادشاه هخامنشی عادت داشت پیش از هر نبرد آوازی بخواند و این آواز توسط ارتشیان از نو سر گرفته میشد. موسیقی برای شادی نیز در آن زمان مرتبه و مقامی داشت ولی در زمان ساسانیان بحد اعلی رسید؛ بطوریکه بهرام گور دستور داد تا مردم نیمی از روز را کار کنند و نیم دیگر را به تفریح و خصوصاً ورزش و آموزش موسیقی بپردازند. تا به آنجا که از ۴۰۰ نفر موسیقی دان هندی دعوت کرد تا برای ترویج و آموختن موسیقی به ایران بیایند.

میگویند وقتی شبدیز اسب محبوب خسرو پرویز مرد هیچکس یارای دادن خبر آن را به پادشاه نداشت لذا دست بدامن بارید موسیقیدان بزرگ آن زمان شدند.

باربد شروع به نواختن نوائی چنان دلگداز کرد که خسرو پرویز دگرگون شده پرسید، آیا شبدیز مرده است؟! هنوز در موسیقی ایرانی امروز بخشی از نواهای آن زمان شنیده میشود. موسیقی ایرانی دارای ۷ دستگاه است که با مشتقات آن ۱۲ گام را شامل میشود (خیلی غنی تر از دو گام ماژور و مینور موسیقی غربی!)

این دستگاه ها به آهنگ سازان و نوازندگان موسیقی ایرانی وسعت بسیار زیاد و آزادی بی نظیری برای بدیهه سرانی ایجاد میکند. در واقع نمیتوان از موسیقی یهودی ایرانی بطور خاص سخن گفت چرا که ۲۷۰۰ سال همزیستی بین یهودیان و سایر ایرانیان چنان آمیزش بوجود آورده که یک موسیقی شادیاها و دردهای هر دو را بیان میکند.

البته در بعضی از شادیاها و مراسم بخصوص بسان عروسی یا ختنه سوران و غیره یهودیان آوازهای مخصوص و سرچشمه گرفته از خصوصیات قدیمی و آرمانهای بخصوص خود را میخوانند.

علی دشتی نویسنده بزرگ ایران مینویسد، «موسیقی ما محزون است. میگویند این موسیقی محزون روح ما را محزون کرده است. آیا نمیتوان گفت این روح رنجدیده و محزون ماست که این موسیقی محزون را تراوش کرده است؟»

شاید این سخن علی دشتی جوابگوی آنانی باشد که در مورد محزون بودن آوازی که یهودیان به افتخار داماد در شب عروسی او میخوانند سؤال میکنند.

دکتر الی گبای